

مردم

در گسترده
سیاست،
اقتصاد
و فرهنگ

شماره دوم، ۱۰ اسد ۱۳۹۲ خورشیدی، ۱ اگست ۲۰۱۳ میلادی



دوهفته در یک نگاه

مجتبا پتنگ، سرپرست وزارت
امور داخله:

**دولت در چنگال
گرگان است؛ برای شکار
آنها متحد شوید!**

صفحه ۷

مروری بر روند رشد اقتصاد دولتی در افغانستان

آزاد

مقدمه

انتخاب نظام اقتصادی و مدیریت عملی آن یکی از وظایف اساسی و اصلی هر نظام سیاسی را در جهان معاصر تشکیل میدهد. این انتخاب هرگاه مبتنی بر هماهنگی میان ساختار سیاسی و رفع نیازمندی های اجتماعی نباشد، نه تنها جنبه عملی نداشته، بلکه بحران زا و مشکل آفرین هم تلقی میگردد. در دنیای معاصر عمدتاً سه نوع سیستم و یا نظام اقتصادی برای حل نیازمندی های اساسی کشورها، غرض انکشاف و توسعه اجتماعی شکل گرفته است:

الف- اقتصاد رهبری شده یا دولتی: در نظام اقتصاد دولتی، نقش عمده را در رهبری و برنامه ریزی امور اقتصادی، دولت به عهده دارد.

ب- اقتصاد بازار: در نظام اقتصاد بازار نقش اساسی در فعالیت های اقتصادی را افراد و نهادهای خصوصی و یا نهادهای غیردولتی عهده دار می باشد.

ج- اقتصاد مختلط: در نظام اقتصاد مختلط، دولت در کنار سکتور خصوصی سهم داشته، علاوه بر نظارت، تنظیم و اختلاط سرمایه های خصوصی و دولتی را نیز رهبری، حمایت و مدیریت می کند.

بهترین نمونه های تاریخی و یا زنده سیستم های اقتصادی بالا در بخش اقتصاد بازار، سرمایه داری لیبرال و انحصارات غربی، در عرصه اقتصاد دولتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق و در زمینه اقتصاد مختلط زیر عنوان یک کشور و دو سیستم اقتصادی، جمهوری مردم چین و کشور هند می باشد. (۱)

توضیح چند واژه در این نوشتار:

نظام اقتصادی: به مجموعه ای از نهادها و سازمان های مختلف اقتصادی گفته می شود که مختص همان نظام بوده و بر مبنای قوانین خاص خود، اهداف معین را دنبال می نماید. صفحه ۳



"گزینه صفر" ناممکن است

بهرام

ترس و دلهره ناشی از پیچیدگی بازی های سیاسی این روزها یک بار دیگر ذهن شهروندان افغانستانی را در خود فرو برده است. از عامی ترین فرد تا دولتمرد، سیاستگر، دانشمند، نویسنده و شاعر، همه نگران آینده اند؛ نگران آینده گنگی که روشن نیست کشور را به کجا می برد، نگران بر باد رفتن همه ی دار و نداری که در دوازده سال گذشته بدست آورده اند. سیاستگر میترسد که مبادا "برادران ناراضی" گلیم حزب، ایتلاف و انجوی سیاسی اش را جمع نکند و او را فراری کوه و کنار و ده نسازد. روزنامه نگار، نویسنده و شاعر میترسد که ثبات نیم بند کنونی همراه با دموکراسی و آزادی بیان نیم بند کنونی را از دست ندهد و گروگان سکوت و سانسور دینی امر به معروف و نهی از منکر نشود. مردم عادی میترسند که یک بار دیگر قربانی تعصب و فاشیزم تنظیمی و طالبی نشده و وحشت و کشتار قومی در کشور آغاز نشود.

صفحه ۴

مصر، ترکیه و برازیل: نیولیبرالیزم نه!

صفحه ۴



در جهان گرسنه، مفهوم ادبیات چیست؟

صفحه ۵



چرا جمهوریت چهارم؟

کوهبندی

شاه امان الله بعد از اعلام استقلال سیاسی کشور در عرصه اصلاحات اجتماعی بردگی را لغو اعلام کرد. ملیت ها و اقوامی که قریب به یک هزار سال بار دیگر سنگینی قلاده ی ننگین بردگی را روی دوش شان تحمل می کردند، از این اقدام با فداکاری و جان فشانی تمام در جریان یک دهه حمایت کردند و حتا زمانیکه شاه از مرز بولدک گذشته به انگلیسها تسلیم شد، آنان همچنان در میدان جنگ به نفع او جان میدادند.

بگذریم از اینکه زحمات و تلاش ها چقدر درست و یا غلط بود، سوال این جاست که آیا شاه استقلال طلب و ترقیخواه می توانست مانند پدر و اجداد برده دارش، برده دار باشد؟ واضح است که هیچگاه برده داری با اصلاحات آنچنانی در قالب آن نظام نمی گنجید.

این پیش زمینه از آن سبب یاد آوری شد که بیرسیم آیا رژیم پسا طالبان هم می توانست به گونه ی دیگری طالبانی گردد؟ و یا در کشوری که در پنجاه سال اخیر مجموعه ی سیستم ها و دست آوردهای فکری بشر در عرصه سیاسی تجربه گردیده بود، چه راهکار و شیوه ی با جاذبه و زمان پسند باید عرضه میشد؟ مشروطیت ظاهر خانی، جمهوریت داوود خانی، دیکتاتوری دموکراتیک خلق خلقی ها، آشتی و دموکراسی جبهه ی پدر وطن جناح پرچم، حکومت اسلامی شورای حل و عقد ربانی و حکمتیار با آن راکت پرانی و ویرانی، و سرانجام تجربه ی به یادماندنی امارت اسلامی با آن همه مصایب و رنج، همه از آزمون ناکامی برآمده بود و فقط یک گزینه و آن هم جمهوری لیبرال با این طمطراقی و با آن همه لاف و پشاق در چانته مانده بود که باید روی کار می آمد.

در این گونه جمهوری، مدیریت در عرصه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و صفحه ۲

گپ مردم

رئیس جمهور کرزی به پاکستان می‌رود
"فصل جدید" همکاری‌ها به کجا خواهد رفت؟

قرار است به زودی رئیس جمهور کرزی در یک سفر رسمی به دعوت نواز شریف، نخست وزیر پاکستان به این کشور برود. جانان موسازی، سخنگوی وزارت امور خارجه گفته است، حکومت افغانستان آماده است تا "فصل جدید" همکاری‌ها با پاکستان را آغاز کند.

سفر آقای کرزی به پاکستان پس از سفر سرتاج عزیز، مشاور امنیت ملی نخست وزیر پاکستان به کابل صورت می‌گیرد. سرتاج عزیز در دیدار با کرزی از وی خواست تا برای گفتگو روی مسایل مهم دوجانبه با نواز شریف به پاکستان سفر کند. اما آقای کرزی دیدار از اسلام آباد را مشروط به تلاش‌های صادقانه پاکستان در امر مبارزه با تروریسم دانست. با اینحال، به نظر می‌رسد که دیدار سرتاج عزیز از کابل چندان هم بی نتیجه نبوده، آنگونه که برخی رسانه‌ها از آن سخن زدند.

روابط میان کابل و اسلام آباد همواره تنش آلود بوده و مقام‌های افغان بارها، ارتش و سازمان استخبارات پاکستان را به حمایت و پشتیبانی از تروریست‌ها و مخالفان مسلح متهم کرده است. اخیراً گشایش دفتر سیاسی طالبان در قطر با نام امارت اسلامی و پرچم این گروه، روابط دولت افغانستان با آمریکا و پاکستان را پرتنش ساخت و برخی مقام‌های ارشد افغان از جمله داکتر رنگین دادفر سپننا، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور کرزی و شیر احمد کریمی، رئیس ستاد ارتش، یک بار دیگر، پاکستان را حامی اصلی طالبان خوانده و دولت این کشور را در جنگ و ناامنی افغانستان دخیل دانستند.

تلاش‌های کابل برای جلب همکاری صادقانه و حسن نیت اسلام آباد در قضیه افغانستان در گذشته نتیجه‌ی در پی نداشته است، زیرا پاکستانی‌ها در خصوص وعده‌ها و عملکردهایشان نسبت به افغانستان چند پهلو بازی کرده اند و یکی از دلایل شکست گفتگوهای صلح با طالبان نیز ریشه در کارشکنی‌های همیشگی ارتش و سازمان استخبارات پاکستان دارد.

هر بار که دولت کابل به سوی اسلام آباد دست دوستی دراز کرده و در سفرهای خوش باورانه به پاکستان با صداقت تمام خواهان همکاری دوامدار برای برقراری صلح و ثبات دائمی در افغانستان شده است، ناامید و دل شکسته برگشته و تنش میان دو کشور همچنان پا برجا مانده است.

حالا با این همه تنش مزمن و ریشه‌ی‌یی که میان افغانستان و پاکستان وجود دارد، به نظر نمی‌رسد که سفر آقای کرزی به اسلام آباد بتواند یخ‌های چندین ساله در روابط دو کشور را آب کند. زیرا هر رژیمی که در پاکستان روی کار بیاید، در خصوص افغانستان پالیسی خصمانه دارد و نیت صادقانه‌ی دولت کابل در این زمینه نمیتواند کارساز باشد. بنابر این، هنوز زود است که از "فصل جدید" همکاری‌ها سخن زد و شیفته و کوفته‌ی سفر کرزی به پاکستان شد.

بحران روابط دو کشور، ریشه در معضله‌های کلان تری دارد و تا زمانیکه راه حلی برای آنها پیدا نشود، پاکستان به سادگی دست بردار افغانستان نیست و سیاست‌های اصلی اسلام آباد در قبال کابل همچنان تغییرناپذیر باقی خواهد ماند.

افغانستان در پرتگاه جنگ داخلی

درنگی بر عوامل ناامنی و چشم انداز امنیت در دهه‌ی تحول (۲۰۱۴-۲۰۲۴)

بخش دوم

ک بهرام آمونیاپی

۱-۴ فرماندهان‌های محلی و قاچاقچران مواد مخدر، تهدید جدی

وقتی به گفته‌ی مقام‌های ارشد دولتی، برنامه‌ی خلع سلاح در افغانستان به درستی عملی نشده باشد و هر قوماندان جهادی برای خود انبار سلاح و مهمات داشته باشد، پس چگونه میتوان جنگ سالاری را نابود شده قلمداد کرد و از برقراری ثبات دائمی سخن زد. در بسیاری از مناطق شمال و شمالشرقی کشور این قوماندان‌های محلی اند که دست به ایجاد ناامنی می‌زنند و طالبان کمتر در مناطق یادشده نفوذ دارند.

هنوز ذخیره‌های سلاح جنگ سالاران دست نخورده باقی مانده و در هر فرصت مناسب، هنگامیکه دیدند تهدیدی علیه شان وجود دارد و منافع شان در خطر است، به زیردستانشان دستور میدهند تا این جنگ افزارها را در اختیار شورشیان مسلح قرار دهند و یا با ایجاد باندهای خلاف کار و راهزن، امنیت را مختل کنند. قوماندان‌های جهادی که زمانی از قدرت بی حد و حصر در مناطق شان برخوردار بودند، در برخی مواقع به شورشیان طالب نیز چراغ سبز نشان داده و با آنان همکاری می‌کنند.

افزون بر این‌ها، قاچاقچران مواد مخدر نیز به گونه‌ی در بی ثباتی و ناامنی دست دارند و با مخالفان مسلح دولت و جنگ سالاران در تباری نزدیک هستند.

به گفته‌ی مقام‌های امنیتی ولایت هلمند، قاچاقچران مواد مخدر در ولسوالی سنگین این ولایت، اخیراً چهار صد تن را (برای هر یک صد هزار کلدان پاکستانی) استخدام کرده بودند تا با نیروهای امنیتی بجنگند. به اساس اسنادی که مقام‌های امنیتی هلمند از آن سخن می‌زنند، قاچاقچران به این افراد تهدید داده بودند که در صورت کشته شدن شان، به خانواده‌های هر کدام دوصدهزار کلدان پاکستانی خواهند داد.

<http://www.tolonews.com/fa/afghanistan/10874-drug-smugglers-provide-support-to-insurgents-in-helmand-officials>

کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان که همه ساله رو به افزایش است، یکی از منابع پردرآمد مخالفان مسلح است و به گفته‌ی مقام‌های افغان، سود سالانه‌ی

گروه طالبان از راه قاچاق مواد مخدر به بیش از سه میلیارد دالر می‌رسد. (دویچه ویله‌ی دری: [www-origin.dw-world.de](http://www.origin.dw-world.de))

در همین حال، مقام‌های وزارت مبارزه با مواد مخدر کشور گفته اند، ارزش تجارت مواد مخدر افغانستان سالانه به هفتاد میلیارد دالر می‌رسد که بخش اصلی این پول را مافیای جهانی مواد مخدر صاحب می‌شود. http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2013/03/130327_k05_afghan_narcotic.shtml

از همان روزهای نخست تشکیل دولت موقت در افغانستان، پاکستان در پی حفظ طالبان بود. بر اساس گزارش منابع دقیق استخباراتی، موازی با آغاز حمله‌های هوایی نیروهای امریکایی در افغانستان، طالبان دسته دسته به پاکستان فرار می‌کردند و در آنجا مخفی می‌شدند. با سپری شدن زمان اندک، مخالفان مسلح دوباره جان گرفته و به ولایت‌های جنوبی کشور که در اثر بی توجهی دولت ایالات متحده‌ی امریکا و دولت نوپای افغانستان به بستر امن رشد مجدد طالبان و تروریسم مبدل شده بود، برگشتند. حالا، با گذشت دوازده سال از سرنگونی رژیم طالبان در افغانستان، این گروه همچنان فعال است و تهدید بزرگی علیه امنیت کشور شمرده می‌شود.

یعنی افزون بر طالبان، پاکستان و ایران، مافیای جهانی مواد مخدر نیز در بی ثبات سازی افغانستان نقش دارد و در همکاری نزدیک با مخالفان مسلح، در مناطقی که زیر حاکمیت دولت کابل نیست، مردم را به کشت و کونار وادار می‌کند. در کنار عوامل دیگر، کم توجهی جامعه جهانی به کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان سبب شده تا این کشور همچنان در صدر تولیدکنندگان مواد مخدر باشد.

بازمحمد احمدی، معین مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله، اخیراً با اشاره به کاهش تدریجی توجه جامعه‌ی جهانی به نابودی کشتزارهای کونکار در افغانستان، ابراز

امتیاز، پاداش و تشویق مدافعان نظم کهن و سرمایه گذاری روی نیروهای جوان و بالنده ممکن می‌گردید، تا از طریق پرداخت حق سکوت به ساختار سنتی کهن به نفع ساختار جدید که به شدت توسط مراکز فرهنگی، تعلیمی و تحصیلی در رده‌های مختلف بازتولید می‌گردید، زمان را به خدمت گرفته باشند.

این کار از طریق پروسه‌ی قانونی، زمانگیر بود و حوصله مندی زیادی نیاز داشت. به این دلیل، برای بازتولید نیروی جدید باید عجله به خرج میدادند و با اغفال نیروی کهن از طریق راه اندازی شرکت‌های خصوصی، ان جی اوها (NGO)، قراردادی‌های گوناگون، راه اندازی

چرا جمهوریت...

فرهنگی باید طوری عیار می‌گردید که حداقل ساختار سنتی سخت جان جامعه‌ی افغانی که از درون هر بار در تقابل با جامعه‌ی جهانی بحران می‌آفریند، دچار دگرگونی شده و نفس آن دیگر برای بشریت و بویژه غرب دشمن تولید نکند.

در این مورد باید پایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این جامعه دشمن ساز آماج قرار گرفته و به جای آن در درون ساختار جدید متحدان استراتژیک و زمان پسند بازتولید گردد. پایه‌های اقتصادی نظام کهن در نظم نوین فقط با تزریق پول از طریق تطمیع،

- "صدای مردم"، از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند.
- تنها "گپ مردم" بازتاب دهنده‌ی موضع گیری رسمی نشریه است و مسوولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن میباشد.
- اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

نگرانی کرده بود که حمایت جهانی از مبارزه علیه مواد مخدر در کشور پس از دو هزار و چهارده کمتر نشود. (همانجا)
اگر این کم توجهی ادامه یابد، مخالفان مسلح یکی از منابع بزرگ مالی شان را همچنان خواهند داشت و با افزایش کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر، ناامنی و جنگ نیز بیشتر می‌شود.

۱-۵ فساد مالی و اداری

افغانستان، دومین دولت فاسد دنیا را دارد و ورشکست شدن کابل بانک در سال ۲۰۱۰، بزرگترین رسوایی مالی این دولت در دوازده سال عمرش بود. شهروندان افغان و برخی نهادهای جهانی کمک کننده به افغانستان پس از این بحران، نسبت به دولت کابل و عملکرد نظارتی آن بر بانک‌های خصوصی بدبین شدند. بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده‌ی امریکا پس از بحران کابل بانک، ادامه‌ی کمک‌هایشان به افغانستان را به مبارزه‌ی دولت کابل علیه فساد رو به افزایش مشروط کردند.

به اساس گزارش اداره‌ی جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، شهروندان افغان تنها در سال ۲۰۱۲ میلادی، ۳.۹ میلیارد دالر رشوت داده اند که این مبلغ دو برابر درآمد داخلی افغانستان در آن سال است. بر مبنای این گزارش، اداره‌های قضایی و محلی و گمرک‌ها در سال ۲۰۱۲ بیشتر از سایر نهادها از مردم رشوت گرفته اند. این گزارش نشان می‌دهد که سیستم قضایی افغانستان که وظیفه‌اش تامین عدالت و نابودی فساد است، خود بیشتر از سایر نهادهای دولتی غرق در فساد است.

یک نظرسنجی سازمان شفافیت بین الملل نیز قوه قضاییه‌ی افغانستان را فاسدترین ارگان دولتی معرفی می‌کند. ۶۵ درصد کسانی که با آن مصاحبه شده، گفته اند، سال گذشته یک بار به این نهاد رشوت پرداخته اند. http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2013/07/130709_marr_transparency_int afg_2013.shtml

با روی کار آمدن دولت رئیس جمهور کرزی، تلاش‌هایی به هدف آوردن اصلاحات در سیستم قضایی کشور صورت گرفت، اما این اصلاحات نه تنها که رضایت بخش نبوده بلکه به گسترش فساد انجامیده است. **مضمون ۶**



سیمینارها و کنفرانس‌ها برای کسب دانش اختلاس، دزدی، اخاذی، اغفال و غیره به فساد دامن زده و برای ایجاد پایه‌های جدید اجتماعی که هماهنگ با برنامه‌های دیکته شده از بالا است، باید روحیه‌ی میهنی، اعتقادی و فرهنگی را با سیلی از پول و کالا آماج قرار میدادند.

در نتیجه بعد از تزریق میلیاردها دالر، خانه‌تکانی ساختار اجتماعی اندکی تکمیل و نیروهای جدید برای همکاری استراتژیک و قابل اعتماد آفریده شد. روحانی سنت گرا مبدل به بروکرات دولتی و فرزندان پسر و دخترشان در بستر نظام بر خلاف تمایلات فرهنگی پدر به عنوان ناقد پدر به جرگه‌ی تکنوکرات‌ها راه یافت.

گویی یخ‌های قطور با تزریق یخ شکن عصر (پول) وادار به تابعیت و فرمانبرداری از نظم جهانی گردیده و حتا اسطوره‌ی حلال و حرام وارد فاز جدید شد.

صاحب امتیاز

مرکز مطالعات صلح و توسعه

مدیر مسوول

عبدالخالق آزاد

شماره‌ی تماس: ۰۷۷۲۴۰۵۴۳۸

سرمدیر

بهرام آذری آمونیاپی

شماره‌ی تماس: ۰۷۰۰۷۵۷۸۸۲

اما راجع به فشار سرمایه‌ی ربایی و تجاری باید گفت که تجارت و رباخواری از اعصار قدیم در این کشور وجود داشته، اما ادامه‌ی آن که امروز در قالب بانک‌ها و شرکت‌های ملی و چند ملیتی عمل می‌نماید، به این وسعت و برنامه‌های کلان موجود نبوده است. در افغانستان این حرکت به شکل مدرن آن به تاریخ ۴ دلو ۱۳۰۹ در زمان حکومتداری نادرشاه آغاز گردید. در آن تاریخ برای اولین بار شرکت سهامی انحصار صادرات و واردات به سرمایه‌ی ۴.۵ میلیون متعلق به دولت (خانواده نادر) تاسیس گردید.

شرکت مذکور علاوه بر ضرب سکه (کار ضرب سکه در عهد امانی آغاز شده بود) و امور بانکی، انحصار مجموعه-ی امور تجاری را در بخش واردات و صادرات به عهده داشت. سرمایه‌ی این شرکت در جریان دو سال به ۳۵ میلیون ارتقا یافته و به تاریخ ۲۸ سنبله ۱۳۱۱ به شرکت سهامی افغان تغییر نام داد. ظاهراً نام این شرکت سهامی بود، اما اکثریت سهامداران اصلی آن اهل دربار بودند.

این شرکت علاوه بر تولید پترول، قند و شکر، موتر و پرزجات، امور ترانسپورتی و صدور ۳۰٪ پوست قره قل را هم زیر کنترل داشت. همین شرکت در سال ۱۳۱۳/۱۹۴۴ تغییر نام داده و به عنوان بانک ملی افغان همه‌ی عرصه‌های زندگی اقتصادی کشور را زیر پوشش قرار داد. به تعبیر دیگر، اولین حرکت توسعه‌ی سرمایه‌ی ربایی در قالب بانکداری (بانک ملی افغان) به آن سال ارتباط می‌گیرد. ادامه‌ی آن حرکت با انحصار تجارت در ساحه‌ی مواد سوخت، خوار و بار، به تدریج سهامداران خورد و ریزه‌ی دیگر را نیز پوشش نمادین و سمبولیک داد.

در نتیجه این بانک از طریق اعمال نفوذ سیاسی در پوشش شرکت‌ها (صابر، توکل، دیانت، برادران و غیره) توانست به زودی حتا ۹۳٪ انحصار صادرات قره‌قل را هم در دست گیرد.

وارتن‌گریگوریان راجع به عملیات بانک ملی در این دوره می‌نویسد: "بانک ملی و رئیس آن عبدالمجید خان زابلی، علاوه بر داشتن انحصار، تقریباً بر کل مال التجاره عمده-ی وارداتی و صادراتی و حتا بر بخش بزرگ صنایع کشور نیز تسلط داشت."

نفوذ آن شرکت‌ها از شمال تا هرات (شرکت اتحادیه‌ی شمال، اتحادیه‌ی هرات، شرکت صادرات تریاک هرات و شرکت وطن در قندهار و غیره) همه ساحات زندگی اقتصادی مردم کشور را زیر تأثیر قرار داد.

بازماندگان نادر به مشوره‌ی زابلی و لندنی، با انتخاب روسا و کارگزاران شرکت‌ها توانستند به زودی مجموعه‌ی شرکت‌های خصوصی را به انقیاد در آورده و سیطره‌ی خود را کشوری سازند.

در همین دوران تریاک به شکل گیاه تجاری به گونه‌ی قانونی کشت و بذر آن زیر حمایت دولت قرار گرفت.

رشد سمارق وار سرمایه‌ی بانک ملی (دولتی) با این روش از ۳۵ میلیون در سال ۱۳۱۱ به ۶۰ میلیون در سال ۱۳۱۶ ارتقا یافت. وسعت کار بانک ملی و تجربه‌ی سودآور آن دولت را ترغیب نمود تا بانکداری را زیر نظارت مستقیم دربار انکشاف داده و اقتصاد کشور را به تدریج زیر سیطره‌ی آن قرار دهد.

از همان سبب دولت در سال ۱۳۱۷ به تجزیه‌ی شرکت‌های مربوط به بانک ملی پرداخته و به تعقیب آن در همان سال بانک جدیدی را بنام دافغانستان بانک (بانک مرکزی) که تا امروز فعالیت دارد، به وجود آورد.

این بانک به سرمایه‌ی ۱۲۰ میلیون افغانی وظایف نشر بانک نوت، خرید و فروش طلا و سنگ‌های قیمتی، خزانه داری، امور بانکداری اداره‌های دولتی، بلدیة (شاروالی)، نشر اوراق بهادار و تعیین نرخ اسعار را به دوش گرفته و نبض کار اقتصادی کشور را در دست دولت قرار داد.

هدف عمده‌ی اینگونه حرکت‌ها جلوگیری از رشد اقتصاد مستقل در دست سکتور خصوصی بود که مبادا با ایجاد مراکز قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی را به چالش نکشد. اما برخلاف، قدرت دیگری در بطن آن اقتصاد جوانه زده و رشد نمود که سرانجام، نه تنها نظام حاکم را، بلکه منطقه و تا امروز جهان کنونی را به معضله‌ی لاینحل دچار نموده است.

ادامه دارد

ادامه‌ی صفحه‌ی نخست مروری بر روند رشد اقتصاد دولتی...

آزادی تحصیل و تعلیم به جامعه‌ی نسون را عملی، مطبوعه و جراید را توسعه، نظم و نسق دوایر دولتی و نظامی (حکومت مدرن با وزارتخانه‌ها) را بوجود آورد. (۵) دولت امانی به زودی با ایجاد وزارت اقتصاد کنترل تجارت خارجی افغانستان را از سلطه انگلیس در شبه قاره هند خارج ساخت؛ معاهدات وسیع تجاری با انگلیس، آلمان، شوروی، پولند، مصر، فنلند، سوئیس را به گونه‌ی مستقل امضا نمود؛ نشر بانک نوت را آغاز و زمینه را برای رشد و توسعه‌ی بورژوازی فراهم ساخت. شرکت‌های مختلط چون شرکت تنویر، کمپنی آلمان، فابریکه‌ی سمنت، فابریکه‌ی گوگرد سازی، ماشین‌خانه‌ی جبل سراج، کمپنی استخراج معدن بدخشان، شرکت ترانسپورت بنام نقلیات، شرکت کمر، شرکت امانی، شرکت لاجورد، شرکت افغان و امثال آن در مجموع با سرمایه‌ی دولت و خصوصی زیربنای اقتصاد مدرن را پایه گذاری نمود.



دولت در سال ۱۳۱۲ به تجزیه‌ی شرکت‌های مربوط به بانک ملی پرداخته و به تعقیب آن در همان سال بانک جدیدی را بنام دافغانستان بانک (بانک مرکزی) که تا امروز فعالیت دارد به وجود آورد. این بانک به سرمایه‌ی ۱۲۰ میلیون افغانی وظایف نشر بانک نوت، خرید و فروش طلا و سنگ‌های قیمتی، خزانه داری، امور بانکداری اداره‌های دولتی، بلدیة (شاروالی)، نشر اوراق بهادار و تعیین نرخ اسعار را به دوش گرفته و نبض کار اقتصادی کشور را در دست دولت قرار داد. هدف عمده‌ی اینگونه حرکت‌ها جلوگیری از رشد اقتصاد مستقل در دست سکتور خصوصی بود که مبادا با ایجاد مراکز قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی را به چالش نکشد. اما برخلاف، قدرت دیگری در بطن آن اقتصاد جوانه زده و رشد نمود که سرانجام، نه تنها نظام حاکم را، بلکه منطقه و تا امروز جهان کنونی را به معضله‌ی لاینحل دچار نموده است.

گردید تا سرمایه‌ی تجاری و ربایی انکشاف بیشتر یافته و زمینه‌ی رشد بورژوازی مستقل و یا صنعتی که در تقابل با محصولات خارج قرار میگرفت، مسدود گردد.

تجارت جنس به جنس که از مظاهر داد و ستد جوامع عقب مانده بود، به تدریج زیر فشار سرمایه‌ی تجاری و ربایی سیر حرکت به سوی تبادله‌ی جنس به پول را آغاز نمود.

جریان رشد سرمایه‌داری که برخلاف سیر طبیعی از طریق کمک‌های بیرونی و دستاورد در دوره‌ی امیر حبیب‌الله ادامه یافت، بدون آنکه مانند امروز، پایه‌های نیرومند اقتصادی ایجاد کرده باشد، فقط در عرصه‌ی رونمای فرهنگی، هوادارانی را در دربار ایجاد نمود. البته تیوری تجددگرایی نیز توسط عوامل بیرونی و به خصوص دانشگاه دیده‌های ترکیه و هند که در دربار نفوذ کرده بودند، به کشور وارد شد.

دولت امانی در سال ۱۹۲۰ برنامه‌ی پلان شده را غرض توسعه‌ی صنایع، تعلیم و تربیه و مخابرات رویدست گرفت. این مشی در نهایت سرحدات ملی کشور را به روی فروش محصولات صنعتی، دستیابی به مواد خام و نیروی کار ارزان با اصطکاک مواجه ساخت، در مظاهر زندگی مدرن در قالب دولت که رهبری آن را بورژوازی لیبرال به عهده داشت، در عرصه‌ی اصلاحات اجتماعی تحصیل را اجباری و نظامنامه مکاتب را تدوین و مکاتب مسلکی چون مکتب صنایع نفسیه، مکتب عالی علوم شرقی، مکتب السنه، مکتب سیاسی و غیره را ایجاد،

بازار، ساز و کاری است که به وسیله‌ی آن خریداران و فروشندگان با تعامل آزاد، قیمت کالا یا خدمات را تعیین می‌کند.

بازار به انواع مختلف چون بازار کالا، بازار اسعار، بازارهای مالی (بورس و سهام) و غیره تقسیم میگردد. (۲)

پیشینه‌ی برخورد حاکمیت‌های سیاسی گذشته با نظام اقتصادی در کشور

از همان آوان شکل‌گیری نظام‌های سیاسی در کشور، مداخله و مراقبت روی نظام اقتصادی یکی از برنامه‌های اساسی، جهت اعمال حاکمیت بوده است. در گذشته حاکمیت‌های سیاسی مرکزگرا مدام از تمرکز سرمایه به دست افراد و یا نهادها در هراس بودند.

تمرکز ثروت بدست افراد و یا نهادهای غیرخودی یکنوع تقابل و یا آمادگی برای به چالش کشاندن نظام پنداشته می‌شد. از آن سبب کنترل و یا نظارت مستقیم بر نظام اقتصادی، یکی از وظایف عمده‌ی نظام‌های سیاسی را در گذشته تشکیل میداد. به تعبیر دیگر، نظام‌های اقتصادی زیر هر نام و عنوان بر مبنای حفظ منافع افراد، خانواده‌ها و یا تیم‌های معین مدیریت گردیده، اما در شکل به آن عناوین مورد نظر را برچسب زده و آنرا سمت و سو داده اند.

سرمایه‌داری جهانی و چگونگی برخورد با نظام اقتصادی در کشور

از آغاز قرن ۱۸ که سرمایه‌داری جهانی به شبه قاره-ی هند جای پا باز کرد، در برخورد با ساختارهای سیاسی حاکم در کشور، نه تنها کنترل و نظارت بر آن راه، بلکه با مهارت جهت دهی رشد اقتصادی را به دقت تمام در نظر گرفته و آنرا سمت و سو داده است. بذر جوانه‌های ناتوان بورژوازی در عهد شیرعلی و سرکوب آن تا عهد زودگذر امانی، برنامه ریزی‌های دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، و سرانجام فروپاشی همه نهادهای اقتصادی در جریان سه دهه‌ی اخیر و یا ظهور اقتصاد بازار که هم اکنون به بحران فراگیری مبدل گردیده، همه و همه یکنوع رهبری و یا مراکز اداری فنی در یکی از نقاط جغرافیای سیاسی کشور و یا در ماورای مرزهای ملی کشور داشته است.

نظارت نظام‌های سیاسی بر سیر رشد اقتصاد طبیعی دخالت با برنامه توسط نظام نوپا و حاکم، روی ساختار اقتصاد زراعتی کشور به سال ۱۷۴۷ م برمیگردد. احمدشاه ابدالی غرض حفظ اقتدار نظام نوپای اش، برای اولین بار بخش مهمی از اقتصاد زراعتی و مالداری اقوام و قبایل را زیر نظر مرکز جهت داده و با ایجاد سیستم مالیاتی بر مبنای وسعت اراضی (قلبه گاو) که بیشتر منافع اعیان جوامع قبیلوی را مرفوع می‌ساخت، دخالت دولتی را در سیستم اقتصادی جامعه تهداب گذاشت. (۳)

این روند درون آن خانواده، به تدریج استحکام یافته و برای حفاظت از ساختار نظام به وسعت غیرقابل تصور زیر نام و عناوین مختلف انکشاف یافت. در نتیجه سکتور زراعت، مالداری و پیشه‌وری شدیداً زیر فشار قرار گرفته و بعدها جنگ درون‌خانندانی آنرا مورد یلغار و چپاول تمام عیار قرار داد، در نتیجه ساختار نظام قبیلوی بنا به مداخله‌ی سرمایه‌ی استعماری که در قالب کمپنی هند شرقی سینه خیز، غرض دسترسی به بازار فروش محصولات صنعتی دست-یابی به شکاف درون اقتصاد طبیعی، به طرف آسیای مرکزی پیش می‌آمد، به انتقال قدرت از یک سلسله به سلسله دیگر موفق گردید.

ورود سرمایه پولی و تسلیحاتی که از طریق نظام در سال ۱۸۳۹ در قالب حکومت شاه شجاع وارد این سرزمین گردید با پلان وسیع مستعمراتی و تضعیف اقتصاد روستایی، که از بطن آن به تدریج روند اقتصاد مستقل بورژوازی شکل میگرفت، با یک اصطکاک برنامه ریزی شده مواجه گردید.

بعدها در بستر آن هیاهو، حکومت امیرشیرعلی که در پی امتیازخواهی خاندانی، برای استقلال سیاسی و رشد ارگان مدرن دولتی و اقتصادی عمل میکرد، با آغاز آن ژست مورد حمله قرار گرفته و در نتیجه

مصر، ترکیه و برازیل: نیولیبرالیزم نه!

ک.ب. آذری



کشور که میزبان مسابقه های جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۴ و بازی های المپیک در سال ۲۰۱۶ است، ۵۰ میلیارد دلار را برای انجام این بازی ها و ساخت استادیوم های ورزشی، خیابان ها و راه ها هزینه کرده است؛ اما برعکس از بودجهی تحصیل دانشجویان و خدمات بهداشت کم کرده و کرایه های حمل و نقل عمومی را افزایش داده است که زیان اصلی آن به طبقه کارگر و سایر فرودستان برازیل میرسد.

معتراضان برازیلی با سردادن شعارهای "ما به کپ جهانی نیازی نداریم!"، "ما بهداشت و تحصیل می خواهیم" و "فیفا، پول ما را پس بده"، خشم و انزجارشان را نسبت به عملکرد سودجویانه ی دولت و سیاست های بورژواپرورانه ی آن نشان داده اند.

اعتراض ها در مصر، ترکیه و برازیل، ریشه در یک عامل مشترک دارد: نیولیبرالیزم که زندگی انسان ها را هر چه بیشتر خصوصی سازی کرده و زمینه های خدمات رایگان بهداشتی و آموزشی را که یکی از مسوولیت های پایه یی دولت میباشد، از آنان گرفته است.

بنابر این، شهروندان هر سه کشور با خیزش سراسری و گسترده این پیام قوی را به دولت هایشان رساندند که نیولیبرالیزم چه از نوع "کارگری" و "سوسیالیستی" باشد و چه از نوع اسلامی و اخوان المسلمین، به درد فرودستان نمی خورد و باید دور ریخته شود.

اعتراض ها به سرمایه داری جهانی که با رویکرد نیولیبرالیزم تلاش دارد تا کارگران و سایر فرودستان را بیشتر استثمار و غارت کند، از چند سال بدینسو رو به گسترش است و به نظر میرسد که تحمل فرودستان دیگر به سر رسیده و سرمایه داری جهانی در آینده نه چندان دور با موج گسترده و غیرقابل برگشت شورش و اعتراض روبرو خواهد شد، شورش که آینده ی جهان را به گونه ی دیگری رقم زدن است.

در ترکیه نیز، با آنکه استبداد سیاسی و تنگ ترشدن فضای آزادی های مدنی از سوی دولت اردوغان در اعتراض ها نقش محسوس تری داشت، اما در این جا نیز برنامه های اقتصادی نیولیبرال دولت عامل پایه یی شورش ها بود. خیزش مردم از اعتراض به تبدیل پارک گزی استانبول به فروشگاه از سوی دولت ترکیه، آغاز شد، این یعنی یورش به نیولیبرالیزم.

گرچه دلیل نخستین اعتراض، یک مسأله ی محیط زیستی گفته شد، اما چون درد مردم ترکیه به مراتب ژرف تر و عمیق تر از یک مسأله ی صرفاً محیط زیستی است، دامنه ی شورش به زودی گسترش یافت و تمام شهرهای این کشور را فرا گرفت.

ترکیه با آنکه در چند سال اخیر رشد اقتصادی خوبی داشته، اما سرمایه داران بیشترین سود را از آن برده اند و در نتیجه، شکاف میان فقیر و ثروتمند افزایش یافته است. افزون بر این، دولت اسلامگرایی رجب طیب اردوغان که میانه رو لقب گرفته و برای عده یی در برخی کشورها الگو شده، نخواستار است تا زمینه ی آزادی های سیاسی و مدنی را به مردم ترکیه فراهم کند. کمیته ی حفاظت از روزنامه نگاران در گزارشی در سال ۲۰۱۲ میلادی، ترکیه را بزرگترین زندان روزنامه نگاران خواند. اردوغان، سیاستمداری که در جریان بهار عربی از اعتراض های ضد دیکتاتوران عرب در کشورهای مصر، لیبی و تونس دفاع کرد و حالا هم در جنگ میان دولت سوریه و شورشیان مخالف بشار اسد، همراه با امریکا و سایر دولت های غربی از مخالفان مسلح سوری پشتیبانی میکند، همواره با مخالفان اش در داخل ترکیه برخورد دیکتاتورمانه داشته و معتراضان ترکی با مستبد خواندن وی، خواستار کناره رفتن اش از قدرت اند.

در برازیل هم سیاست های اقتصادی نیولیبرالیستی دولتی که خود را "چپ" می نامد، سبب شد تا مردم علیه ی آن بشورند. دولت این



میخواهند از راه تبلیغات رسانه یی گسترده، حکومت کابل را زیر فشار آورده و قرارداد امنیتی را با کمترین امتیازها به افغانستان امضا کنند.

هر چه باشد، دیر یا زود قرارداد امنیتی میان افغانستان و امریکا امضا خواهد شد و هشدارهای گزینه ی صفر، بچه ترسانک واشنگتن برای کابل است تا در زودترین فرصت بتواند پرونده ی توافقنامه ی امنیتی را ببندد. اخیراً مارتین دیمپسی، رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا پس از دیدار با رئیس جمهور کرزی در کابل گفت: "من گزینه صفر روی دست ندارم. کسی از من نخواستار که برای گزینه ی صفر آمادگی بگیرم. من گزینه ی صفر را توصیه نمی کنم. گزینه ی صفری وجود ندارد."

قرارداد امنیتی کابل-واشنگتن فرصت خوبی برای دولتمردان افغان است تا از هوشیاری تمام کار گرفته و بیشترین سود را به نفع افغانستان از آن حاصل کنند. تجهیز و تقویت نیروهای امنیتی افغان به ویژه ایجاد نیروی هوایی مدرن و مجهز، تضمین های سیاسی- نظامی برای پشتیبانی از افغانستان در صورت حمله ی احتمالی خارجی و کمک های درازمدت برای ایجاد حکومت داری بهتر و انکشاف زیرساخت های اقتصادی، از خواست هایی است که دولت کابل باید روی آن بیشتر تمرکز داشته باشد و امریکایی ها را مجبور کند تا این تعهدها را در قرارداد امنیتی بپذیرند.

افغانستان در جغرافیای حساس و مهمی قرار گرفته و در شرایط کنونی، با توجه به ناتوانی های جدی نیروهای امنیتی افغان، گسترش دامنه ی نفوذ طالبان در کشور به دلیل حمایت بی دریغ ارتش و سازمان استخبارات پاکستان از این گروه، ضعف حکومت داری و افزایش فساد، بلندرفتن گراف فقر و بیکاری، خلع سلاح نشدن جنگ سالاران و برخی مسایل دیگر، به پشتیبانی استراتژیک قدرت بزرگی مانند ایالات متحده ی امریکا نیاز دارد تا بتواند از یکسو دخالت های ویرانگر دولت های پاکستان و ایران را که از ده ها سال بدینسو جریان داشته کم کند و از سوی دیگر آهسته آهسته خود را در عرصه های سیاسی، امنیتی و اقتصادی خودکفا کند. تنها در این صورت است که میتوان از دهه ی تحول به خوبی گذشت و ثبات را تا حدودی در کشور برقرار کرد.

داشت. این سال که آغاز دهه ی تحول است، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را نیز شاهد خواهد بود که سرنوشت ساز خوانده شده است. این در حالیکه گفتگوهای کابل-واشنگتن در مورد امضای قرارداد امنیتی از سوی دولت افغانستان در اعتراض به گشایش دفتر سیاسی طالبان در قطر با نام امارت اسلامی و پرچم ویژه ی طالبان به تعلیق درآورده شده است و تلاش های مقامهای امریکایی برای آغاز دوباره ی این گفتگوها تا کنون نتیجه ن داده است. قرارداد امنیتی میان کابل و واشنگتن، حضور امریکا در افغانستان و همچنین ادامه ی همکاری و کمک های آن کشور را پس از سال دو هزار و چهارده در درازمدت تضمین می کند.

تنش کنونی در روابط افغانستان- امریکا روی توافقنامه ی امنیتی و هشدارهای مقامهای امریکایی به حکومت کابل مبنی بر عملی شدن "گزینه ی صفر" در سال ۲۰۱۴، هراس فراگیری را تولید کرده و ترس از بروز جنگ داخلی، ترس از بازگشت طالبان و ترس از فراموشی دوباره ی افغانستان همچون شبی بر فراز کشور در گردش است.

سیاستگرانی که بقای شان را در ادامه ی حضور استراتژیک امریکا در افغانستان می بینند، به شدت تلاش میکنند تا رئیس جمهور کرزی را وادار کنند که به گفتگوها روی قرارداد امنیتی برگردد و بدون در نظر گرفتن پیش شرط ها، این توافقنامه را امضا کند. اما آقای کرزی اصرار دارد که در صورت گرفتن تضمین برقراری امنیت و صلح پایدار در افغانستان، حفظ تمامیت ارضی کشور در سایه ی نظام قوی مرکزی از سوی امریکا، این توافقنامه را امضا خواهد کرد.

به نظر میرسد که امریکایی ها با شانه خالی کردن از این تعهدها،

این روزها تپش شورش و عصیان در برابر سرمایه داری دست کم در چند کشور از جمله مصر، ترکیه و برازیل بالا گرفته است.

در مصر، معتراضان که به دیکتاتوری رژیم حسنی مبارک پایان داده بودند، با آمدن محمد مرسی، انتظار داشتند تا وی بحران اقتصادی و سیاسی در کشورشان را که در نتیجه ی اعمال سیاست های اقتصادی نیولیبرال پدید آمده بود، حل کند و زمینه های نفس کشیدن آزادانه به مردم را فراهم نماید که دیکتاتوری مبارک از آنان گرفته بود. اما مرسی برخلاف توقع های زیادی که معتراضان از وی داشتند، یک رئیس جمهور ناکام از آب درآمد.

اخوان المسلمین مصر، با آنکه نقش مهمی در خیزش مردم علیه رژیم حسنی مبارک نداشت، در نبود احزاب و سازمان های منسجم توده یی خود را بر مردم تحمیل کرد و با استفاده از برخی امکانات داخلی و خارجی توانست محمد مرسی را به قدرت برساند، اما در یک سال حکومت داری وی، سیاست های اقتصادی نیولیبرال که فقر و فاصله ی طبقاتی را بیشتر کرده است، همچنان ادامه یافت، زیرا اخوان المسلمین با آن مخالفتی



ندارد. دلیل اصلی یی که دولت ایالات متحده ی امریکا از مرسی حمایت کرد، در همین مسأله نهفته است.

حکومت اخوانی ها در مصر نه تنها که نتوانست به مشکلات اقتصادی مردم راه حلی جستجو کند، بلکه مشکلات اقتصادی این کشور را بیشتر کرد و مصر در حال حاضر در رکود به سر می برد. پس از سرنوشتی رژیم حسنی مبارک، خلاف همه ی امیدواری ها برای بهبود اقتصادی، چهار و هزار پنجصد باب کارخانه تعطیل شده است؛ میزان بیکاری که در زمان حسنی مبارک ۹ درصد بود، در سال ۲۰۱۲ به ۱۲.۴ درصد رسید و در نیمه ی اول سال ۲۰۱۳ میلادی به ۱۳.۵ درصد افزایش یافته است؛ قیمت ها به گونه ی سرسام آور بالا رفته؛ ارزش واحد پولی مصر به شدت پایین آمده و کمبود مواد سوخت نیز دامنگیر مردم شده است.

افزون بر این ها، اسلامیزه کردن زندگی اجتماعی از سوی اخوانی ها از علاقمندی توریست ها به مصر که یکی از کشورهای محبوب شان است، کاسته و اقتصاد توریستی مصر را زیانمند کرده است.

به این دلیل، مصری ها که یک سال پیش در یک اعتراض گسترده، استبداد سکولار حسنی مبارک را از پا در آوردند، بار دیگر به میدان تحریر رفتند و سرانجام با همراهی ارتش، استبداد دینی مرسی را نیز به زیر کشیدند.

"گزینه ی صفر" ناممکن ...

دولتمردان کنونی افغانستان نیز با آنکه مثل همیشه در ظاهر به مردم اعتماددهی میکنند که گویی با خروج نیروهای امریکایی و ناتو از کشور، مشکلی پیش نخواهد آمد و افغانستان خودارادیت سیاسی و نظامی اش را جشن خواهد گرفت، در نهان بیشتر از دیگران میترسند، زیرا چیزهای زیادی برای از دست دادن دارند.

تنش کنونی در روابط افغانستان- امریکا روی توافقنامه ی امنیتی و هشدارهای مقامهای امریکایی به حکومت کابل مبنی بر عملی شدن "گزینه ی صفر" در سال ۲۰۱۴، هراس فراگیری را تولید کرده و ترس از بروز جنگ داخلی، ترس از بازگشت طالبان و ترس از فراموشی دوباره ی افغانستان همچون شبی بر فراز کشور در گردش است.

گمانه زنی های منفی در مورد دو هزار و چهارده و هشدارهای "گزینه ی صفر" ایالات متحده ی امریکا در افغانستان، اما برای برخی قوماندانان های جهادی فرصتی شده که بتوانند دوباره جان بگیرند و دست به تحرک های سیاسی- نظامی آشکار و پنهان بزنند. به همین تازگی خبرهایی رسیده که بسیار نگران کننده است: شماری از قوماندانان های جهادی که ذخیره گاه های سلاح و مهمات شان دست نخورده باقی مانده است، در شماری از ولایت ها به زیردستان و افراد مورد اعتماد خود سلاح توزیع می کنند، تا آمادگی مقابله با هرگونه پیشامد احتمالی را در سال دو هزار و چهارده یا سالهای پس از آن داشته باشند. بنابر این، اگر دو هزار و چهارده و "گزینه ی صفر" برای مردم افغانستان و سیاستگران غرب زده و بروکرات، ترسانک و تشویش آفرین است، برای شماری از قوماندانان جهادی که در حسرت روزهای "آمریت" و خودمختاری منطقه یی دوران جنگ های تنظیمی میسوزند، خبر خوشی است، تا با استفاده از میدان شغالی شده دوباره خود را بر مردم تحمیل کنند. زیرا در سال دو هزار و چهارده بیشتر سربازان خارجی موجود در افغانستان به کشور هایشان بر میگردند و ناتو دیگر نقش نظامی نخواهد

افغانستان در پرتگاه ...

فساد به حدی در نهادهای قضایی کشور حاکم است که در بسیاری از مناطق دوردست، مردم برای حل دعوای شان به دادگاه های صحرایی طالبان رجوع میکنند. بی دلیل نبود که طالبان پس از حمله‌ی تروریستی روز چهارشنبه، ۲۲ جوزای سال روان که در برابر دادگاه عالی کشور صورت گرفت، هدف اصلی از انتخاب این محل را به "هسته ی فساد" تبدیل شدن دادگاه عالی خواندند تا از نظر تبلیغاتی کشتار مردم بی گناه را توجیه کنند.

در فساد رایج در افغانستان، خارجی ها نیز همگام با دولت نقش داشته اند. دولت های کمک کننده، در آغاز، بیشتر قراردادهای کلان را که به میلیون ها دالر میرسید، مستقیماً با پیمانکاران وابسته به خانواده‌های مقامهای بلندپایه‌ی دولتی امضا میکردند و دولت کابل در بسیاری موارد حق دخالت را نداشت. این کار کماکان تا کنون ادامه دارد. در حقیقت یکی از پیش شرط های دونه‌ها برای کمک به افغانستان این بوده که در انتخاب محل تطبیق پروژه ها و این که قراردادهای به چه کسانی داده شود، دست باز داشته باشند. این کار اصل شایستگی، شفافیت و عدالت را در گرفتن قراردادهای و تطبیق پروژه ها نادیده گرفته و زمینه‌ی گسترش هرچه بیشتر فساد را مساعد ساخت.

خارجی ها سازمان های غیردولتی یا انجوها را که به بنگاه های فساد مشهور اند، در افغانستان ایجاد کردند و بخش زیادی از کمک هایشان را از طریق آنها در کشور به مصرف میرساندند و دولت کابل صلاحیت چندانی در مدیریت کمک ها نداشت.

این دو موضوع، پس‌انترها بهانه یی شد تا رئیس جمهور کززی بُعد خارجی فساد را در افغانستان برجسته کند. وی بارها در سخنرانی

کاهش کمک های خارجی پس از سال ۲۰۱۴ نیز به این نگرانی ها افزوده است. زیرا در صورت کاهش کمک های خارجی، اقتصاد افغانستان که در دوازده سال گذشته وابسته به این کمک ها بوده، با چالش های بزرگی روبرو خواهد شد. این نگرانی را مقامهای دولت رئیس جمهور کززی نیز به درستی درک کرده اند. انور الحق احدی، وزیر تجارت، روز شنبه، اول سرطان سال روان در یک نشست خبری در کابل گفت: "اقتصاد افغانستان در چند سال گذشته بسیار زیاد متکی به کمک‌ها بوده و اگر این کمک‌ها به یکبارگی قطع شوند، هیچ شخصی این مملکت را اداره کرده نمی‌تواند. ولی به حمدالله که کمک‌ها ادامه می‌یابد." (<http://www.mandegardaily.com/wp-content/uploads/2013/06/No-1086.pdf>)

۱-۷ فقر و بیکاری

با ایجاد دولت رئیس جمهور کززی، با آنکه میلیاردها دالر کمک های خارجی به کشور سرازیر شد و برنامه های بازسازی و ساخت و ساز راه اندازی و زمینه‌های کارایی برای عده یی فراهم گردید، اما هنوز بیش از سی و شش درصد مردم افغانستان زیر خط فقر به سر می برند، نرخ بیکاری چهل درصد است و بیش از سه میلیون کارگر متخصص در کشور بیکار اند.

رشد اقتصادی یی که دولت افغانستان به آن فخر می کند، هرگز فقر را از میان نبرده، بلکه به آن افزوده است. زیرا در نظام اقتصاد بازار، رشد اقتصادی هر قدر هم که بالا باشد، چون توزیع مادی غیرعادلانه و نامتوازن است، فقط یک اقلیت چند درصدی بیشترین بهره را می برد و بقیه همچنان در فقر و بی روزگاری زندگی می کنند.

افزون بر ناتوانی دولت در زمینه‌ی مهار بیکاری و کاهش فقر، دولت ایالات متحده‌ی امریکا و سایر دولت های خارجی نیز که وعده‌ی انکشاف و توسعه‌ی افغانستان پس از طالبان را داده بودند، در دوازده سال گذشته سوای تلاش های مقطعی و

در بسیاری از مناطق شمال و شمالشرقی کشور این قوماندان های محلی اند که دست به ایجاد ناامنی میزنند و طالبان کمتر در مناطق یادشده نفوذ دارند. هنوز ذخیره های سلاح جنگ سالاران دست نخورده باقی مانده و در هر فرصت مناسب، هنگامیکه دیدند تهدیدی علیه شان وجود دارد و منافع شان در خطر است، به زیردستانشان دستور میدهند تا این جنگ افزارها را در اختیار شورشیان مسلح قرار دهند و یا با ایجاد باندهای خلاف کار و راهزن، امنیت را مختل کنند. قوماندان های جهادی که زمانی از قدرت بی حد و حصر در مناطق شان برخوردار بودند، در برخی مواقع به شورشیان طالب نیز چراغ سبز نشان داده و با آنان همکاری می کنند.

هایش، خارجی ها را به دست داشتن در فساد کنونی در افغانستان متهم کرده است.

۱-۶ افغانستان پسادهزار و چهارده

مخالفان مسلح پس از اعلام تصمیم ناتو برای خروج اکثریت نیروهای ائتلاف جهانی از افغانستان در سال ۲۰۱۴، این تصمیم را ناشی از شکست ناتو و ایالات متحده ی امریکا در افغانستان خواندند. حالا که بیشتر از چند ماه به ۲۰۱۴ باقی نمانده، فعالیت های تروریستی طالبان رو به افزایش است. به نظر میرسد که این گروه از همین اکنون خود را برای جنگ های جبهه یی و گسترده در سال ۲۰۱۴ آماده می کند. گرچه ناتو پس از این سال نیز در افغانستان باقی میماند و نقش پشتیبانی و آموزشی نیروهای امنیتی افغان را به عهده خواهد داشت، اما مساله‌ی خروج اکثریت نیروهای ناتو از کشور، در کارزار تبلیغاتی طالبان یک دستاورد به حساب می آید و به آنان روحیه‌ی بیشتری داده است.

از سوی دیگر، خروج اکثریت نیروهای ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴، برای بسیاری از سرمایه داران که در فکر سرمایه گذاری در کشور اند، این نگرانی را ایجاد کرده است که مبادا با خروج نیروهای ائتلاف بین المللی، افغانستان بار دیگر وارد جنگ های داخلی نشود. بنابراین، بسیاری از سرمایه گذاران منتظر فرارسیدن ۲۰۱۴ هستند که ببینند واقعا چه روی خواهد داد.

در کنار این بی علاقگی، دولت بوش که از پیروزی اش در افغانستان غرور کاذبی گرفته بود، به هدف از میان بردن دیکتاتوری صدام به عراق حمله کرد و افغانستان از دایره تمرکز دولت بوش به حاشیه رانده شد.

حالا، افغانستان مانده بود و مرزهای باز و دولت های همسایه ی پاکستان و ایران که از هر فرصت ممکن علیه مردم افغانستان بهره برده اند.

"در جریان سال ۲۰۰۲، در حالیکه عناصر القاعده و گروه طالبان در خارج از مرزهای این کشور {افغانستان} و در داخل مرزهای پاکستان در پی التیام بخشیدن به زخم ها و جبران شکست شان بودند، هیچ تلاشی برای گسترش قدرت و اقتدار کابل به سایر ولایت ها که به طور سنتی پایگاه مستحکم طالبان به شمار میرفتند، صورت نگرفت. ... تنها در سال ۲۰۰۵ یک تعداد قابل ملاحظه یی از نیروهای حافظ صلح بین المللی به خارج از کابل اعزام شدند، تنها در سال ۲۰۰۶، این نیروها در جنوب مستقر شدند، جایی که ظهور مجدد طالبان از قبل در جریان بود." (همانجا، صفحه‌ی ۲۷۸)

به این ترتیب، بی توجهی نخستین ایالات متحده‌ی امریکا به تامین امنیت افغانستان در زمانی که نه ارتشی وجود داشت و نه هم پولیسی، عدم تلاش ها برای ایجاد حکومت داری بهتر و گسترش حاکمیت نوپا، به ویژه در مناطقی که احتمال برگشت دوباره ی طالبان در آنها بیشتر بود، سبب شد تا طالبان که پشتیبانی یی دروغ سازمان جاسوسی پاکستان یا آی اس آی را با خود داشتند، از خلیگانه های موجود در ولایت های جنوبی بهره برداری کنند و به پایگاه های پیشین شان برگردند. از نظر کمک های اقتصادی هم دولت امریکا در مقایسه با عراق پول ناچیزی را برای بازسازی افغانستان اختصاص داده بود. "کمک های ایالات متحده تا سال ۲۰۰۳ تنها به هفتصد میلیون دالر میرسید. در همان سال، کنگره مبلغ هجده میلیارد دالر را برای بازسازی عراق منظور کرد؛ کشوری که کوچکتر و دارای نفوس کمتر از افغانستان است و مسلماً، در مقایسه با افغانستان کمتر آسیب دیده است." (همانجا، صفحه‌ی ۲۸۴)

بنابر این، جنگ عراق "پروسه ی بازسازی افغانستان را به صورت مستمر تحت شعاع خود قرار داد." (همانجا، صفحه‌ی ۲۷۵)

۲-۲ پاکستان و ایران

در جنگ روان در افغانستان افزون بر عوامل داخلی، دست های مخوف خارجی بویژه دخالت دولت های پاکستان و ایران نیز نقش زیادی دارند.

پاکستان پس از تجزیه ی امپراتوری هند بریتانوی در سال ۱۹۴۷ به مثابه ی کشوری عرض وجود کرد که موقعیت جغرافیایی مساله آفرینی داشت.

این کشور از شمال با افغانستان و از شرق با هندوستان، و از شمال شرق با چین هم مرز است. اما با دو کشور هند و افغانستان جنجال های ارضی دارد. اختلاف مرزی هند و پاکستان در کشمیر به سه جنگ تمام عیار انجامیده و خط دیورند نیز میان پاکستان و افغانستان سبب شده تا دولت اسلام آباد همواره کابل را به دیده‌ی دشمن ببیند و دوستی کابل- دهلی هم به اساس این معادله برای پاکستانی ها غیرقابل تحمل است.

دولت پاکستان که پیش از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، از حامیان اصلی طالبان بود، با حمله‌ی القاعده به برج های تجارت جهانی در ایالات متحده‌ی امریکا، در اثر فشارهای دولت جورج بوش، ظاهراً از طالبان روگردان شد و به جبهه‌ی جنگ علیه تروریسم پیوست. اما، در نهان از همکاری با نیرویی که حافظ منافع استراتژیک اش در منطقه است، دست نکشید. از همان روزهای نخست تشکیل دولت موقت در افغانستان، پاکستان در پی حفظ طالبان بود. بر اساس گزارش منابع دقیق استخباراتی، موازی با آغاز حمله های هوایی نیروهای امریکایی در افغانستان، طالبان دسته دسته به پاکستان فرار میکردند و در آنجا مخفی میشدند.

با سپری شدن زمان اندک، مخالفان مسلح دوباره جان گرفته و به ولایت های جنوبی کشور که در اثر بی توجهی دولت ایالات متحده‌ی امریکا و دولت نوپای افغانستان به بستر امن رشد مجدد طالبان و تروریسم مبدل شده بود، برگشتند. حالا، با

برگی از تاریخ

تقدیم به آقای عزیزالله لودین،

رئیس اداره‌ی مبارزه با ارتشا و فساد اداری

تکرار تاریخ

اهنی و آسایشی

گزیده‌یی از سراج الاخبار

زندہ یاد محمود طرزی

اخلاق عمومی به درجه‌ی زهرناک گردیده و سوء اخلاق در مردمان چنان تاثیر ناگواری بخشیده که احکام خدا، رسول، قران، پادشاه، حق وطن، شرافت ملی، عزت و شان قومی، حقوق عبادالله، وجدان و ایمان، همه را برای نفس اماره خائن مشنوم خود بر طاق نسیان میگذاریم.

پادشاه برای ولایات شاهانه حاکم مقرر و انتخاب می کند. اصیل بگویی اصیل، ریش سفید بگویی ریش سفید، نماز خوان بگویی نماز خوان، متدین بگویی متدین، عالم بگویی عالم، عاقل بگویی عاقل، کیست که

حقانیت و دیانتش را تسلیم نمیکند. وقتیکه مقرر می شود، به درجه‌یی مفلس و مفلوک مییابد که اسپه‌های سواره‌ی خود و نوکران خود را به

قرض تدارک کرده، به هزار مشقت و خون جگر خود را به دایره‌ی حدود ولایتی که مقرر شده پرتاب میکند. به مجردیکه در آنجا می رسد،

ازدها بگویی ازدها، نهنگ دریا بگویی نهنگ دریا، بلا بگویی بلا، یوها بگویی یوها میشود. اسپ بگویی کمندها کمندها، مال مواشی بگویی

رمله ها رمله ها، گله ها گله ها، شتر بگویی قطارها قطارها، نقدی بگویی خزانه ها خزانه ها، جنس بگویی صندوقخانه ها صندوقخانه ها را مالک

میگردد. طرفه تر اینکه چون نام آنرا پرسید میگوید که "پیشکشی و تارتقی" مییابد که این کلمه ها را دیگر هیچ کتاب لعنتی حل کرده

نمی تواند، مگر قاموس العلوم خود جناب نایب الحکومه صاحب ها. این بالای مبرم سوء اخلاق اگر تنها منحصر به بعضی می بود هر چه که

بود بود، اما جای حسرت این است که یک میرزای مفلوکی که به دفتری کدام محالاتی مقرر می شود، در اندک مدتی می بینید که

صاحب خانه ها، ملک ها، زمین ها و چها و چها میشود...

"سبحان الله ما به چشم سر می بینیم که ذات قداسیت صفات پادشاه معظم ما در باب حسن اداره و تلف نشدن بیت المال به درجه ساعی و

جاهد می باشند که از بسا مصارف و مخارج مرمه‌ی ذاتی شاهانه شان صرف نظر فرموده اند، حتا طعام حضور شاهانه نیز خیلی مختصر و به

قاعدہ تصرف برابر دیده می شود(آن وقت عایدات مستقیم و غیرمستقیم سالانه افغانستان تقریباً در حدود ۸۰ میلیون روپیه و مصرف

تنها کارخانه طعام امیر ۲ میلیون و ۴صدهزار روپیه یعنی ۳ فیصد تمام عایدات کشور بود در حالیکه مصارف البسه و معاشات و بخشش های

حرم وسیع امیر و خانواده شاهی داخل این حساب نیست، زیرا آن وقت بودجه مملکتی وجود نداشت و خزاین دولت مال شخصی شاه شمرده

می شد!) حالانکه سفره های نایب الحکومه صاحب ها (والی ها) از ۶۰ - ۷۰ غوری نان کمتر نمی باشد، بخشش و احسانی که ذات اعلی حضرت پادشاهی میکنند، از عین المال شخصی شان(!!) می باشد که

آن هم از اسراف و ابذار سراسر خالی است.

گذشت دوازده سال از سرنگونی رژیم طالبان در افغانستان، این گروه همچنان فعال است و تهدید بزرگی علیه امنیت کشور شمرده میشود.

مقامهای ناتو و افغان بارها گفته اند که پاکستان در مبارزه با تروریسم و افراطیت دینی صادقانه عمل نکرده و لانه های تروریستی در آنسوی خط دیورند اند و طالبان از سوی ارتش و استخبارات پاکستان تمویل و تجهیز میشوند.

دولت ایران نیز، با آنکه در آغاز حمله‌ی ایالات متحده‌ی امریکا به افغانستان، در از بین بردن رژیم طالبان با جامعه‌ی جهانی همکاری کرد، اما، بعدها با یورش دولت بوش به عراق و تیره ترشدن رابطه‌ی امریکا و ایران، تهران نیز به تلاش های پشت پرده و فعالیت های تخریبی علیه افغانستان شدت داد. مقامهای ناتو بارها ایران را به ارسال پول و اسلحه به طالبان متهم کرده اند و افزون بر آن، تلاش های رژیم تهران در این اواخر به ویژه گفتگو با نمایندگان طالبان، آنها را بدون هماهنگی با دولت کابل نشان میدهد که ایران جسورتر از قبل در بحران سازی در افغانستان عمل می کند.

دوهفته در یک نگاه

قانون انتخابات افغانستان از سوی رئیس جمهور
کرزی توشیح شد

پس از پافشاری های احزاب سیاسی و دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد، قانون انتخابات در ۱۶ فصل و ۸۰ ماده از سوی رئیس جمهور افغانستان توشیح شد.

در متن فرمان رئیس جمهوری افغانستان که از سوی اداره امور و دارالانشای شورای وزیران به رسانه ها فرستاده شده، آمده است که قانون انتخابات از امروز نافذ و قابل تطبیق است.

تلاش برای تصویب و توشیح قانون انتخابات از چند ماه به این سو ادامه داشت. دلایل عمده تأخیر در تصویب و توشیح قانون انتخابات، اختلاف روی افزودن یک کرسی برای اهل هنود، اختلاف روی سهم ۲۵ درصدی زنان در شوراهای ولایتی و ولسوالی، اختلاف روی تغییر حوزه های انتخاباتی کوچی ها، اختلاف روی شرایط نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراهای ولایتی، اختلاف روی محدود کردن حوزه های انتخاباتی برای انتخابات پارلمانی، اختلاف روی اختصاص شماره از کرسی های مجلس به احزاب و پیشنهاد ریاست جمهوری مبنی بر ایجاد کمیسیون که "در شرایط لازم" انتخابات را به تعویق بیندازد، بود.

انتخابات های قبلی در افغانستان به اساس فرمان های تقنینی ریاست جمهوری برگزار شده است اما پس از این، انتخابات ها به ویژه انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در سال آینده، با اتکا به مواد همین قانون برگزار خواهد شد.

بر اساس جدول زمانی که کمیسیون انتخابات اعلام کرده، سومین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در ۱۶ حمل ۱۳۹۳ برابر با ۵ اپریل ۲۰۱۴ برگزار خواهد شد.

سرتاج عزیز در کابل: پاکستان نمی تواند موفقیت
صلح در افغانستان را تضمین کند

سرتاج عزیز، مشاور ارشد نخست وزیر پاکستان در امور خارجی و امنیت ملی که برای کمک به عادی سازی روابط اسلام آباد-کابل، به افغانستان آمده بود، گفت، کشورش نمی تواند برای موفقیت روند صلح افغانستان تضمین دهد.

عزیز در کنفرانس خبری مشترک با زلمی رسول، وزیر خارجه افغانستان گفت، پاکستان از روند صلح به رهبری افغانها پشتیبانی می کند، اما این موضوع را رد کرد که پاکستان طالبان را کنترل می کند و تأکید کرد که پاکستان تنها می تواند در دست یافتن به یک راه حل نقش ایفا کند.

او گفت: "ما به دلیل روابط گذشته، تماس هایی با طالبان داریم اما آنها را کنترل نمی کنیم. زمانی که شورای عالی صلح افغانستان از ما درخواست کرد که زمینه ملاقات با طالبان و بازگشت مصوون

آنها را فراهم کنیم، آن زمانی بود که ما این روند را فراهم کردیم و آنان توانستند به این هدف شان برسند".

از چند سال به این سو افغانستان خواستار روند صلحی به رهبری افغان ها بوده و از پاکستان همواره خواسته که در زمینه کشاندن طالبان به میز مذاکره کمک کند. اخیراً شیرمحمد کریمی، رئیس ستاد مشترک ارتش افغانستان گفت که پاکستان "طالبان را کنترل می کند و رهبران طالبان در پاکستان هستند".

او گفت که اگر پاکستان بخواهد ظرف چند هفته می تواند به شورش مسلحانه علیه دولت افغانستان پایان دهد.

برنامه های درسی دانشگاه های افغانستان نو میشود

وزارت تحصیلات عالی افغانستان برنامه های درسی واحدی برای دانشگاه های دولتی و خصوصی تهیه کرده و آن را پاسخگوی نیاز بازار کار دانسته است. عبدالله عبید، وزیر تحصیلات عالی روز یکشنبه، ۳۰ سرطان به خبرنگاران گفت، با اجرای برنامه های جدید، هدف این وزارت در جهت ارتقای کیفیت آموزشی در دانشگاه ها تحقق می یابد.

آقای عبید برنامه های درسی کنونی دانشگاه ها را برنامه "کهنه های" توصیف کرد که دانشگاه ها را با چالش هایی مواجه کرده بود، ولی برنامه های تازه به گفته او، "کاملاً جدید است و مطابق اقتضای زمان از لحاظ آکادمیک تهیه شده است".

وزیر تحصیلات عالی گفت، برنامه های درسی جدید دانشگاه ها شامل ۴۸ عنوان می شود که کتابهای درسی دانشکده ها براساس آن از سوی استادان دانشکده ها نوشته و پس از تأیید شورای عملی دانشکده و اداره امور آکادمیک وزارت تحصیلات عالی مورد استفاده قرار می گیرد.

پیش از این انتقادهای زیادی در مورد "کهنگی" برنامه های درسی دانشگاه ها مطرح شده و منتقدان گفته اند که برخی از رشته های تحصیلی دانشگاه ها حدود بیست یا سی سال پیش تشکیل شده و حالا زمینه های کاربردی آنها بسیار محدود شده و نیاز به بازنگری دارد.

از سوی دیگر، برخی این انتقاد را مطرح کرده اند که منابع اصلی درسی رشته های مختلف دانشگاهی جزوه هایی هستند که ده ها سال پیش تهیه شده و حالا فاقد جنبه کاربردی است.

در حال حاضر در سراسر کشور، حدود ۲۰۰ دانشکده و بیش از ۵۰۰ رشته تحصیلی وجود دارد.

وزیر داخله افغانستان سلب صلاحیت شد

مجتبا پنتنگ، وزیر داخله به دنبال چند ماه کشمکش با مجلس نمایندگان، از سوی این مجلس استیضاح و سلب صلاحیت شد.

به دنبال خودداری آقای پنتنگ از حضور در جلسه ای

استجوابیه ای مجلس، نمایندگان او را متهم کردند که نسبت به مجلس "بی اعتنائی" کرده و بیش از ۵۰ نماینده طرح استیضاح او را امضا کردند.

پس از آن که اظهارات او قناعت نمایندگان را فراهم نکرد، مجلس رای گیری در مورد صلاحیت او در مقام وزارت را آغاز کرد و عبدالرووف ابراهیمی، رئیس مجلس اعلام کرد که آقای پنتنگ با ۱۳۶ رای مخالف از وزارت داخله ای

جمهوری اسلامی افغانستان سلب اعتماد شد. جلسه استیضاح پرتنش بود و اظهارات آقای پنتنگ توجه بسیاری را جلب کرد و از جمله این سخن او که گفت "نه تنها وزارت داخله بلکه تمام دولت در گروگان گرگها است". آقای پنتنگ تأکید کرد که پارلمان، قوه مجریه و قوه قضائیه برای شکار گرگها با هم متحد شوند.

او توضیح نداد که منظورش از گرگها چه کسانی هستند. وی در جملات مبهم و چند پهلوئی گفت: "ممکن است تعداد گرگها زیاد باشند و در سمت مختلفی قرار داشته باشند-هم در این جا، هم در آن جا و هم در آن جا".

آقای پنتنگ پس از سلب صلاحیت شدن، کنفرانس خبری برگزار کرد و شماری از نمایندگان مجلس را به فساد و دست داشتن در قاچاق مواد مخدر متهم کرد، اما این کار او آنهم پس از سلب اعتمادش پرسش هایی را برانگیخته است.

سلب صلاحیت آقای پنتنگ از سوی مجلس نمایندگان مورد تأیید رئیس جمهور کرزی قرار نگرفت و پنتنگ به عنوان سرپرست وزارت امور داخله به کارش ادامه میدهد.

برنامه های امنیتی انتخابات آینده ریاست جمهوری
افغانستان اعلام شد

وزارت داخله برنامه های امنیتی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳ را به کمیسیون انتخابات اعلام کرده و گفته که توانایی تامین امنیت در تمام مراکز رای گیری را دارد.

پیش از این نگرانی هایی در مورد تامین امنیت انتخابات آینده مطرح شده است، اما صدیق صدیقی در نشست مشترک خبری با سخنگویان نیروهای ناتو گفت: "امروز ما برنامه های تدابیر امنیتی انتخابات سال آینده را به کمیسیون محترم مستقل انتخابات ارسال کردیم و اطمینان دادیم که در ۶۸۴۵ مرکزی که خواسته بودند برای آنها تدابیر امنیتی را [تهیه کنیم]، خدمت شان ارائه شده است".

سخنگوی وزارت داخله تأکید کرد: "پولیس ملی، اردوی ملی و امنیت ملی افغانستان توانایی تامین امنیت تمام مراکز رای گیری انتخابات سال آینده را خواهند داشت. این اقدام بسیار بزرگ است".

آقای صدیقی افزود: "کمیسیون انتخابات هم این نگرانی را نداشته باشد. ما با تمام توانایی و امکاناتی که در اختیار است از هر روند انتخابات حمایت خواهیم کرد".

سخنگوی وزارت داخله در مورد تهدیدهایی که از جانب گروه طالبان علیه انتخابات متصور است، گفت، آنها در انتخابات گذشته هم مردم را تهدید کرده بودند که اگر ولی نتوانستند انتخابات را مختل کنند.

سخنگوی وزارت داخله در مورد تامین امنیت مناطقی که هنوز هم تحت کنترل طالبان است، تأیید کرد که مناطقی در نورستان، غزنی و هلمند است که دولت در آن جا حضور فعالی ندارد، اما وی ابراز امیدواری کرد که نیروهای امنیتی تا ۱۰ ماه آینده این مناطق را از کنترل طالبان خارج کنند تا زمینه برگزاری انتخابات فراهم شود.

مشکل امنیتی از چالش های اصلی انتخابات آینده ای ریاست جمهوری افغانستان است. به ویژه در مناطقی که ستیزه جویان گروه طالبان حضور دارند، برگزاری انتخابات کار ساده ای نخواهد بود.

رئیس جمهور کرزی اعضای جدید کمیسیون انتخابات را
تعیین کرد

رئیس جمهور کرزی پس از گذشت یک روز از دریافت فهرست پیشنهادی ۲۷ نفری از سوی کمیته ی گزینش کمیسیون مستقل انتخابات، در مورد سرنوشت این کمیسیون تصمیم گرفت.

اداره امور دارالانشای شورای وزیران گفته است، آقای کرزی از میان این افراد نه تن را برای پیشبرد کار کمیسیون مستقل انتخابات تعیین کرده است.

نجیب الله امین، معاون این اداره روز دوشنبه در یک نشست خبری در کابل گفت، آقای کرزی هنگام انتخاب این افراد، تمام مسایل را مد نظر گرفته است: "از جمله- ۲۷ نفری که پیشنهاد شده بودند، نه نفر آنان به کمیسیون مستقل انتخابات، انتخاب شده اند. در این ارتباط تمام مسایل قومی، لسانی و از همه مهم تر موضوع تجارب کاری مد نظر گرفته شده است."

عبدالرحمان هوتکی، سریر احمد برمک، محمد حسین گرزبوال، محمد عزیز بختیاری، قاضی سلیمان حامد، داکتر احمد یوسف نورستانی، گللالی اچکزئی، لیلا احراری و شریفه زرمی افرادی اند که به عنوان اعضای تازه کمیسیون انتخابات تعیین شده اند.

مسوولان اداره امور می گویند، پس از مراسم تحلیف، اعضای جدید کمیسیون مستقل انتخابات، رییس، معاون و منشی شان را تعیین می کنند.

فضل احمد معنوی، رئیس فعلی و تعدادی از اعضای کمیسیون مستقل انتخابات، معیاد کاری شان از چند ماه به این طرف تکمیل شده بود.

اعضای جدید کمیسیون مستقل انتخابات در حالی تعیین شده اند که کمتر از نه ماه دیگر به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در کشور باقی مانده است.

پیش از این شورای ملی، قانون انتخابات و قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات را تصویب و رئیس جمهور کرزی آن را توشیح کرد.

شروع خروج تجهیزات نیروهای آلمانی از افغانستان

حدود ۲۰۰ تانک و دیگر وسایط نقلیه ی نیروهای آلمانی که در افغانستان مورد استفاده قرار گرفته بودند، روز دوشنبه برای انتقال به آلمان در بندر ترابزون ترکیه در بحیره ی سیاه در کشتی بار زده شدند.



اگر چه ارتش جمهوری فدرالی آلمان در ماموریت های مختلف خارجی تجربه کسب کرده است، اما انتقال وسایل و تجهیزات از افغانستان، در نوع خود بزرگترین چالشی است که در برابر این کشور قرار دارد. بر اساس معلومات اردوی آلمان، تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی، حدود ۱۲۰۰ وسیله نقلیه زره پوش و ۴۸۰۰ کانتینر با سلاح، مهمات، کامپیوترها و دیگر مواد باید به آلمان انتقال داده شود.

نیروهای آلمان اردوگاه کوچکتر شان در فیض آباد، مرکز ولایت بدخشان را در ماه های اخیر ترک گفتند. در ولایت کندز نیز سربازان آلمانی آماده ی ترک اردوگاه اند. آلمان می خواهد نیروهایش را قبل از این که زمستان فرا برسد و وضعیت آب و هوا باعث مشکلات بیشتری در روند خروج سربازان گردد، این ولایت را ترک گوید.

مزار شریف به عنوان مرکز تقاطع برای انتقال سربازان و تجهیزات نیروهای آلمانی از کندز به شمار می رود. چالش بزرگی که در انتقال تجهیزات و سربازان آلمانی در برابر این کشور قرار دارد این است که افغانستان هیچ راه بحری ندارد. به جای این که همه تجهیزات از طریق کشتی های باربری انتقال داده شوند، راه های بدیل برای حمل و نقل باید استفاده گردد. برخی تجهیزات نظامی حساس، از طریق هوایی به صورت مستقیم به لایپزیگ آلمان انتقال می یابند. اردوی آلمان ۱۵۰ میلیون یورو تنها هزینه ی این پروازها را حساب کرده است.

خروج تجهیزات نیروهای آلمانی از افغانستان در حالی آغاز شده است که هنوز چند ماه دیگر تا آغاز سال ۲۰۱۴ که زمان خروج اکثر نیروهای ناتو از کشور میباشد، باقی مانده است. از سوی دیگر، نیروهای پولیس و ارتش در شمال و شمالشرق افغانستان، مناطقی که نیروهای آلمانی در آنها مستقر هستند، با فقدان آموزش های مسلکی، تجهیزات پیشرفته، سلاح های با کیفیت بالا و حمایت هوایی رو به رو اند. این مساله چالش بزرگی در برابر حکومت افغانستان است که باید به آن رسیدگی کند.





از اعلامیه های مرکز مطالعات صلح و توسعه:

۳۰ جوزای ۱۳۹۲ خورشیدی

گشایش دفتر طالبان در قطر دستاوردهای دوازده سال گذشته باید حفظ شود



آوری اعانه و کمک مالی برای ادامه ی فعالیت های تروریستی آنها در افغانستان نشود.

در کنار این نگرانی ها، هنوز روشن نیست که آیا طالبان در بدل گشایش دفتر سیاسی شان، پیش شرط های ایالات متحده ی امریکا و دولت افغانستان برای آغاز گفتگوهای صلح را خواهند پذیرفت یا نه. پذیرش قانون اساسی افغانستان، حفظ دستاوردهای دوازده سال گذشته به ویژه در عرصه ی آزادی بیان و حقوق زنان، قطع رابطه با شبکه ی تروریستی القاعده و دست کشیدن از خشونت ها، از شرایطی است که مقامهای افغان و امریکایی برای آغاز گفتگوهای صلح با طالبان مطرح کرده اند.

یک روز پس از آغاز کار دفتر سیاسی طالبان در قطر، دو موشک بر پایگاه نظامی بگرام اصابت کرد که در نتیجه چهار سرباز امریکایی کشته شدند. طالبان مسوولیت این رویداد را به عهده گرفتند.

این حمله ی موشکی نشان میدهد که طالبان هر دو راه نظامی و سیاسی را همزمان پیش می برند و تصور نمی شود که طالبان به آسانی پیش شرط های کابل و واشنگتن را در زمینه ی صلح بپذیرند.

مرکز مطالعات صلح و توسعه ضمن تاکید بر رهبری گفتگوهای صلح از سوی دولت افغانستان، به این باور است که مذاکره با مخالفان مسلح، خارج از چوکات دولت، حیثیت حقوقی و استقلالیت سیاسی نظام موجود را زیر سوال برده، نه تنها به روند صلح کمکی نمی کند، بلکه زمینه را برای دخالت منفی خارجی نیز مساعد میسازد که برای ثبات و امنیت افغانستان زیان بار است.

مرکز مطالعات صلح و توسعه، از هرگونه تلاش سیاسی که از سوی افغان ها رهبری شده و به پایان جنگ در افغانستان بی انجامد، پشتیبانی میکند، اما به شرطی که اصل عدالت را در برقراری صلح نادیده نگرفته و دستاوردهای دوازده سال گذشته در زمینه ی مردم سالاری، آزادی های مدنی و حقوق زنان را از بین نبرد.

دولت دارد نه چیزی کمتر از آن. به نظر میرسد، یکی از دلایل ناراضی دولت افغانستان از ایالات متحده ی امریکا اینست که چرا به خواست های کابل در زمینه ی افغانی بودن گفتگوهای صلح در عمل توجهی نمی کند.

این در حالیست که باراک اوباما، رئیس جمهور امریکا به تازگی بر رهبری گفتگوهای صلح در قطر از سوی افغان ها تاکید کرده، اما برخی مقامهای امریکایی گفته اند، گفتگوها میان آنان و طالبان مستقلاً صورت خواهد گرفت.

تاکید بر رهبری گفتگوها از سوی افغانها از یکسو و مذاکره ی مستقلاً با طالبان از سوی دیگر، تناقض جدی بی را نشان میدهد که متأسفانه در کنار سایر مسایل دیگر، سایه ی تاریکی بر فضای روند مصالحه با مخالفان مسلح انداخته است.

دفتر رسمی طالبان در قطر به دور از دسترس دولت افغانستان این نگرانی را نیز ایجاد کرده است که دفتر یادشده محلی برای جلب و جذب بیشتر طالبان و جمع نویسنده از آن استفاده کنند". او همچنان از حفر چاهها برای حل این مشکل به عنوان برنامه اداره محلی نیمروز یاد کرد.

برخی ولسوالی های غور نیز حالت مشابهی دارد. حامد دادفر، رئیس اداره مبارزه با حوادث طبیعی در غور می گوید: "۱۶ متر سطح آب در مرکز ولایت که پایین ترین نقطه غور است، پایین آمده، در ولسوالی ها که در مناطق بالاتر هستند این رقم بیشتر است. چاه ها و چشمه ها همه خشک شده اند". او می گوید که این اداره برنامه هایی را برای حفر چندین حلقه چاه در برخی مناطق غور روی دست دارد.

سرانجام پس از چندین ماه حرف و حدیث ها در مورد گشایش دفتر سیاسی طالبان مسلح در قطر، این دفتر رسماً افتتاح شد. گروه طالبان هدف از تاسیس دفتر یادشده را گفتگو با کشورهای جهان برای بهبود روابط، یافتن راه حل مسالمت آمیز بحران افغانستان، برقراری تماس با جامعه ی جهانی، ارایه ی دیدگاه ها در مورد اوضاع سیاسی کشور و دیدار با افغان ها در صورت نیاز، خوانده است. گشایش دفتر سیاسی طالبان در قطر، بدون حضور نماینده یی از دولت افغانستان، به تعلیق درآمد دور چهارم گفتگوهای کابل-واشنگتن پیرامون قرارداد امنیتی از سوی دولت افغانستان به دلیل تناقض میان گفتار و عمل ایالات متحده ی امریکا در زمینه ی صلح و اظهارات رئیس جمهور کرزی مبنی بر اشتراک نکردن دولت اش در گفتگوهای قطر نشان میدهد که دفتر سیاسی طالبان در این کشور خلاف میل کابل ایجاد شده است. یکی از مسایلی که گفتگوهای صلح با طالبان در قطر را مساله ساز می کند، عدم حضور دولت کابل، به عنوان نماینده رسمی مردم افغانستان است.

مذاکره زمانی معنا می یابد که دو طرف مورد مذاکره همدیگر را به رسمیت بشناسند و به حقوق همدیگر احترام بگذارند. اما در حالیکه دولت افغانستان همواره از طالبان خواسته تا دست از جنگ کشیده و به روند صلح بپیوندند، طالبان ضمن نادیده گرفتن این خواست، دست به حمله های تروریستی بیشتری زده و دولت کابل را فاقد صلاحیت در زمینه ی گفتگوهای صلح دانسته اند. به عبارت دیگر، طالبان دولت افغانستان را به رسمیت نمی شناسند و نمایندگان این گروه در کنفرانس افتتاحیه ی دفترشان در قطر تاکید کردند که طرف مذاکره کننده آنها ایالات متحده ی امریکا است.

نادیده گرفتن دولت افغانستان از سوی طالبان نشان میدهد که این گروه در رویای رسیدن به امارت اسلامی در کشور است. گشایش دفتر سیاسی طالبان در قطر با نام امارت اسلامی و بیرق سفید رنگ، حاکی از یک

اعلام وضعیت اضطراری در پی کمبود آب آشامیدنی در نیمروز و غور



اهالی این مناطق تاکید می کنند که به جای چاره سازی های کوتاه مدت باید به گونه ای اساسی برای حل مشکل مردم و ایجاد منابع آبی در این مناطق برنامه هایی عملی شود.

دسترسی به آب آشامیدنی در افغانستان مسئول برنامه آبرسانی وزارت انکشاف دهات افغانستان می گوید تنها پنجاه درصد افغانها به آب آشامیدنی صحی دسترسی دارند

در ماه ثور امسال نمایندگی بانک جهانی در کابل اعلام کرد که افغانستان به یکی شاخصهای اهداف هزاره سازمان ملل که تامین آب آشامیدنی بهداشتی است، دست یافته و اکنون این مشکل در افغانستان رفع شده است.

آب در نیمروز وجود ندارد. از بند کجکی یک قطره آب هم به این سمت نمی آید". در حال حاضر در ولایت نیمروز آب به وسیله تانکرها به مردم شهر توزیع می شود. این آب فروشی است و قیمت آن نیز نسبت به گذشته افزایش یافته است.

دین محمد راننده تانکری است که به توزیع آب در مرکز نیمروز می پردازد. او می گوید: "در ماه های اخیر آب از طرف هلمند خشک شده. ما راه طولانی را می رویم و هر تانکری را از چاه ده هزار تومان پر می کنیم، ده هزار کرایه می دهیم و در بازار سی هزار تومان می فروشیم". مقام های محلی در نیمروز نیز تایید می کنند که مشکل کمبود آب صحی آشامیدنی وارد حالت اضطراری شده است. سرور ثبات والی نیمروز می گوید: "حالت اضطراری را شروع کردیم. مقداری آب که برای دو ساعت از ایران وارد زرنج می شود را به قسمی تنظیم می کنیم که مردم از آن به شکل غیرمعمول استفاده نکنند و تنها برای

مقامات در ولایات نیمروز و غور گفته اند که کمبود آب آشامیدنی صحی در برخی نقاط این دو ولایت به مشکل بسیار جدی برای باشندگان این مناطق تبدیل شده است. آنها گفته اند به این دلیل در برخی نقاط وضعیت اضطراری اعلام شده است.

باشندگان ولایات نیمروز در غرب افغانستان و غور در مرکز افغانستان مدتها است از نبود آب آشامیدنی بهداشتی در مناطق شان شاکی هستند.

آنها می گویند که آب مصرفی نیز ندارند و برای به دست آوردن آب آشامیدنی هم مجبورند راه طولانی را طی کنند و آب را بخرند. مقامات می گویند که در این مناطق سطح آب زیرزمینی پایین آمده و به این دلیل آب آشامیدنی کافی وجود ندارد. مسعود حکیمی از اهالی نیمروز می گوید بزرگان منطقه برای حل این مشکل دنبال راه چاره اند. او گفت: "مردم نیمروز صد در صد با مشکل رو به رو هستند. آب آشامیدنی و حتی آب مصرفی ندارند. هیچ